

## دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها

جلال درخشه\* - مصطفی غفاری\*\*

### چکیده

دیپلماسی عمومی رویکردی نوین در سیاست خارجی کشورهاست که مردم و به‌ویژه نخبگان جوامع دیگر را در روابط خارجی هدف قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر بحث و تحقیق پیرامون دیپلماسی عمومی به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا تعمیق و توسعه یافته و پس از رخداد‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مطالعات و عملیات دیپلماسی عمومی آمریکا بر جهان اسلام متمرکز شده است. این در حالی است که کشورهای اسلامی کمتر به این مقوله می‌پردازند و توجه اندکی در به‌کارگیری آن دارند. نوشتار کنونی به دنبال پاسخی برای این پرسش که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام چگونه است، از الگوی مفهومی و راهبردی دیپلماسی عمومی الهام می‌گیرد و با تمرکز بر حوزه جغرافیایی جهان اسلام، ابعاد مختلف دیپلماسی عمومی ایران را بررسی می‌کند. به باور نویسندگان منابع فرصت‌ساز قدرت نرم جمهوری اسلامی در چارچوب دو راهبرد آموزشی و رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی به‌کارگرفته شده و با تمرکز بر دو محور خاورمیانه و آسیای مرکزی، دستاوردهایی مانند گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی ایران را به دنبال آورده‌اند.

### واژگان کلیدی:

دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، جهان اسلام، قدرت نرم

## ❖ مقدمه

در سال‌های اخیر «دیپلماسی عمومی» به مثابه رویکردی جدید در سیاست خارجی کشورها جایگاهی ویژه پیدا کرده است. علاوه بر شکل‌گیری نهادهای تخصصی مرتبط در دستگاه سیاست خارجی کشورهای مختلف، واکاوی سویه‌های گوناگون این موضوع در دانشگاه‌ها و محافل علمی بین‌المللی نیز به موضوعی مهم و جذاب بدل شده است.

اگرچه اصطلاح دیپلماسی عمومی اولین بار در دهه ۱۹۶۰ به کار رفت، حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا باعث شد که پس از یک دوره رکود در دیپلماسی عمومی ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی، مباحث نظری و سیاست‌های اجرایی دیپلماسی عمومی آمریکا بار دیگر رونق بگیرد و این بار به‌ویژه بر جهان اسلام متمرکز شود، چرا که از دید دولتمردان آمریکا جهان اسلام کانون پرورش تهدید بزرگ امنیت و منافع ملی آنها یعنی «تروریسم» است.

دولت ایالات متحده در این دوران برخی از کشورها را که اغلب دارای هویت اسلامی و اکثریت جمعیتی مسلمان هستند، محور شرارت خوانده و از آن پس بخش عمده‌ای از مطالعه‌های دیپلماسی عمومی در ایالات متحده بر دیپلماسی عمومی این کشور برای مهار رژیم‌هایی که از سوی سیاست‌مداران آمریکایی «یاغی» خوانده می‌شوند - مانند: ایران، عراق، لیبی، سوریه و نظایر آنها - متمرکز شده است. با این حال، در بیشتر کشورهای اسلامی که هدف دیپلماسی عمومی ایالات متحده قرار می‌گیرند، مطالعه‌ها و تحقیق‌ها درباره دیپلماسی عمومی چندان مورد توجه نبوده است.

درباره ایران اگرچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به ویژگی ایدئولوژیک و موقعیت خاص جغرافیای سیاسی کشور، همواره مورد مطالعه پژوهشگران بوده، اهتمام به شناخت ماهیت، رویکردها و راهبردهای متناسب با هویت جمهوری اسلامی در زمینه دیپلماسی عمومی صورت نگرفته و مطالعه‌ای کامل با تمرکز بر حوزه‌های خاص موضوعی و جغرافیایی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران ... ❖ ۱۱

برای پاسخ به چگونگی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در «جهان اسلام»<sup>۱</sup> در این نوشتار تلاش کرده‌ایم تا با تأکید بر حوزه موضوعی و جغرافیایی خاورمیانه و آسیای مرکزی، سویه‌هایی از دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را - که مبانی و معنای خاص خود را دارد - بکاویم.

روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و اسنادی است و در مواردی که نیاز به ذکر جزئیات بوده، از گزارش‌های راهبردی دیپلمات‌های کشور استفاده کرده‌ایم.

### چارچوب نظری (دیپلماسی عمومی) مفهوم‌شناسی

تجربه‌های تلخ ناشی از تحولات نظام بین‌الملل در نیمه اول قرن بیستم و دوران جنگ‌های جهانی، به تدریج موجب روی‌گردانی از دیپلماسی بسته و پنهان و روی آوردن به دیپلماسی باز و آشکار شد، اما تغییر و تحول دیپلماسی به همین اندازه محدود نماند. تاریخ تحولات نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که هر گاه تغییر عمده‌ای در ساختار نظام بین‌المللی حاکم شده، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی نیز بازنگری و دگرگون شده است.

در همین راستا، پایان جنگ سرد و اولویت‌های امنیتی کشورها، توجه بیشتر به اقتصاد در سیاست‌های جهانی، مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان موجب شده است تا کشورها برای تأمین منافع ملی خود، علاوه بر روش‌های گذشته، ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار بگیرند (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۱).

شرایط جدید جهانی از سویی باعث شده تا دولت‌ها نیاز بیشتری به ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند و به همین دلیل رابطه با مردم دیگر کشورها را هدف قرار دهند که به آن «دیپلماسی عمومی»<sup>۲</sup> می‌گویند. از سوی دیگر، بازیگران عرصه روابط

۱. «جهان اسلام» اشاره‌ای است به ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی که همه یا بیشتر آنها دارای اکثریت جمعیتی مسلمان هستند و در گستره‌ای پهناور از شرق آسیا تا غرب آفریقا پراکنده شده‌اند.

بین‌الملل دیگر فقط دولت‌ها نیستند و شرایط جدید به افراد، گروه‌ها و نهادها اجازه می‌دهد تا بی‌واسطه دولت‌ها، روابط خارجی داشته باشند و بر دیپلماسی دولتی نیز تأثیر بگذارند که «دیپلماسی خط دو»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود.

فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل که در سال ۱۹۸۵ از سوی وزارت خارجه آمریکا منتشر شده دیپلماسی عمومی را برنامه‌های تحت حمایت دولت می‌داند که هدف از آنها اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی کشورهای دیگر است (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۰). در واقع، دیپلماسی عمومی طرحی دولتی برای نقش‌آفرینی در عرصه عمومی جهانی است که هسته آن را «ارتباطی هدایت‌شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آنها و سرانجام تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آنها» (گیلوا، ۱۳۸۸: ۸۰) شکل می‌دهد. بنابراین، هدف نهایی در دیپلماسی عمومی، اثرگذاری بر اذهان مردم دیگر کشورها از طریق بهره‌مندی از روش‌های ارتباطی است که به معنای مدیریت ارتباطات خارجی برای «تصویرسازی»<sup>۲</sup> از کشور خویش است؛ به گونه‌ای که موفقیت‌های یک کشور را در میان دیگر جوامع شایع کند، شکست‌های احتمالی را کوچک جلوه دهد و تغییرهای حکومت و جامعه را برای دیگران توضیح دهد تا دولت‌های دیگر کشورها، مردم و نخبگان آنها تمایل مثبتی به کشور به‌کاربرنده دیپلماسی عمومی در ذهن خود احساس نمایند (پورااحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

دلیل اصلی توانمندی دیپلماسی عمومی برای دسترسی به سطح بالاتری از دستاوردها در مقایسه با دیپلماسی سنتی، تلاش برای به دست آوردن «اعتماد» در افکار عمومی است. لازمه جلب اعتماد افکار عمومی نیز شفافیت و صداقت است، به‌ویژه اگر مستمر و باثبات باشد، زیرا در این صورت «اعتبار» می‌آفریند. به همین دلیل در راستای دیپلماسی عمومی نوین، دولت‌ها تلاش می‌کنند نه تنها اطلاعات بیشتری را برای ایجاد شفافیت منتشر کنند، بلکه با دقت در انتشار اطلاعات درست، باورپذیری آن را نزد مخاطبان خارجی افزایش دهند.

1. Track II Diplomacy  
2. Image Making

سیاست‌مدار جهان امروز باید قادر به تعامل شفاف و برقراری ارتباط با رسانه‌ها و نیز عامه مردم باشد، در حالی که در گذشته از این کار منع می‌شد. همچنین لازم است تا نوعی هماهنگی میان سیاست‌های کلی یک کشور با دیپلماسی عمومی آن وجود داشته باشد، چراکه دیپلماسی عمومی ایجاد اعتبار ملی در جهان است که به‌سختی و با گذشت سال‌ها ایجاد می‌شود، اما در صورت مدیریت نکردن صحیح، می‌تواند به سرعت و به‌راحتی از دست برود (سلطانی فر، ۱۳۸۹: ۳۴).

کامیابی در به‌کارگیری دیپلماسی عمومی به عوامل بسیاری بستگی دارد؛ از جمله:

- نزدیک بودن ارزش‌ها و فرهنگ‌های یک کشور به نُرْم‌ها و استانداردهای جهانی  
- تفاهم، همفکری و اجماع بر سر ارزش‌ها و هنجارهای مدنظر برای انتقال به مخاطبان خارجی

- دسترسی به راه‌های ارتباطی چندگانه و مؤثر برای درنوردیدن مرزها و ...

با توجه به پیچیدگی و سیال بودن این عوامل، شاید بتوان گفت آنچه نشانه خوبی برای موفقیت دیپلماسی عمومی یک کشور در جذب مخاطبان خارجی به شمار می‌رود، افزایش آشنایی دیگران با کشور به‌کارگیرنده، فهم و ستایش فرهنگ و تبعیت از هنجارها و حتی خرید کالاهای اقتصادی یا فرهنگی آن کشور است.

### راهبردها

با مروری بر ادبیات دیپلماسی عمومی و نیم‌نگاهی به نهادها و روش‌هایی که برای پیگیری این منظور به کار می‌رود، می‌توان دو راهبرد یا روش عمده را درباره دیپلماسی عمومی شناسایی کرد که معمولاً دو سطح متفاوت از مخاطبان را هدف می‌گیرد: راهبرد آموزشی (دیپلماسی عمومی نخبگانی) و راهبرد رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی همگانی).

### راهبرد آموزشی (دیپلماسی عمومی نخبگانی)

مهم‌ترین گروه هدف در دیپلماسی عمومی، نخبگان کشورهای دیگر هستند، چراکه با

۱۴ ❖ مطالعات فرهنگ - ارتباطات

تأثیر بر آنها می‌توان امیدوار بود که آنها خود به اشاعه‌گران و ترویج‌کنندگان مقاصد کشور مبدأ تبدیل شوند.

از دید بسیاری از تحلیلگران سیاست خارجی، مهم‌ترین مراکز فکرساز برای بخش‌های راهبردی و کاربردی در سیاست خارجی، مراکز علمی تصمیم‌ساز هستند که حتی اولویت‌ها را به دولت‌ها و سیستم‌های سیاسی تحمیل می‌کنند. فرهنگ نخبگانی تشنه «دانش و اطلاعات» است. از این رو، در دیپلماسی عمومی، مخاطبان فرهیخته بیشتر با برنامه‌های مبادله‌های علمی - دانشگاهی و فرهنگی - هنری هدف قرار می‌گیرند. مبادله‌های آموزشی و پذیرش و پذیرایی از نخبگان کشورهای دیگر از دیرباز در شمار سرمایه‌گذاری‌های پر سود سیاست خارجی قرار داشته است.

چنان‌که برخی معتقدند «هنگامی که نور سادات، والری ژیسکاردستن، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر در میان بسیاری دیگر از رهبران ملی تحت برنامه‌های مبادله‌های تحصیلی دولت ایالات متحده از آمریکا بازدید می‌کردند، دیپلماسی عمومی آمریکا در جریان بود» (See: About U.S. Public Diplomacy, 2008, in: [www.publicdiplomacy.org](http://www.publicdiplomacy.org))

راهبرد آموزشی که گاه «دیپلماسی فرهنگی» نیز خوانده می‌شود، به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مرتبط است؛ فرایندی مؤثر که در آن فرهنگ یک ملت - از طریق تبادل دانش، ایده، اطلاعات، هنر و... - به منظور تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون عرضه می‌شود.

همچنین از آنجا که دیپلماسی فرهنگی نه تنها موافقان، بلکه مخالفان خود را نیز هدف قرار می‌دهد، می‌تواند بیشتر روی کشورهای اعمال شود که تصویر منفی‌تری از کشور مبدأ دارند. «جوزف نای» در این باره می‌نویسد: «اغلب رهبران چینی پسر یا دختری دارند که تحصیل کرده آمریکاست و می‌تواند تصویری واقعی را از ایالات متحده به نمایش بگذارد که اغلب با کاریکاتورهایی که در تبلیغات مقامات چینی تصویر می‌شود، مغایرت دارد» (نای، ۱۳۸۷: ۵۵ - ۵۴).

دولت باید این مبادله را به مثابه اولویت نخست سرمایه‌گذاری خود تعیین نماید؛ برخلاف این حقیقت که بازگشت سود آن به زمان زیادی نیاز خواهد داشت و در بهترین حالت نیز اندازه‌گیری میزان آن مشکل خواهد بود. برای اطمینان بیشتر از اثربخشی این راهبرد، معمولاً توصیه می‌شود که مشارکت‌کنندگان در طرح‌های مبادلهٔ جوانان و نخبگان رو به پیشرفت باشند تا احتمال تأثیرگذاری آنها بر جوامعشان در آینده بیشتر باشد (لنون، ۱۳۸۸: ۳۳۲ - ۳۳۱).

### راهبرد رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی همگانی)

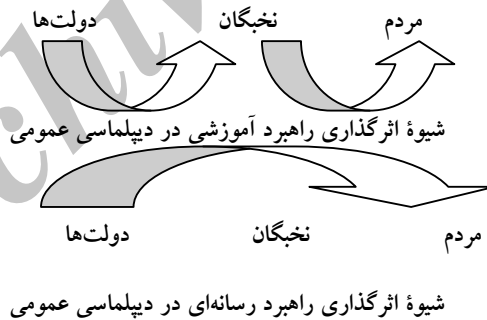
مخاطبان این راهبرد، عامه مردم‌اند که تشنهٔ «سرگرمی» هستند. بخش درخور توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای قدرتمند جهانی به این راهبرد اختصاص دارد که به معنای استفاده از رسانه‌ها به مثابه ابزاری در راستای تحقق اهداف و ارتقای منافع کشورهاست. این راهبرد که گاه «دیپلماسی رسانه‌ای» نیز نامیده می‌شود، نقش رسانه‌ها در سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک میان کشورها را نشان می‌دهد و کمتر به تأثیر رسانه‌ها بر سیاست خارجی نظر دارد. رسانه‌ها با ارائه و شفاف‌سازی اطلاعات و افزایش ورودی‌های متعدد و متنوع به درون دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی و نیز دیپلماسی، نوعی «دیپلماسی باز» را تقویت می‌کنند. رسانه‌های عمومی می‌توانند شرایط مناسب را زمینه‌سازی و تعریف کنند، رویدادها و شخصیت‌های خاص و تأثیرگذار را برجسته نمایند، نقش سازمان‌دهی به سیاست‌ها و رفتارهای دیپلماتیک را ایفا کنند و حتی مباحث مذاکره‌ای را شتاب دهند یا کند کنند (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۱۴ - ۲۱۳). با این‌همه، روشن است که نفوذ و تأثیر دولت در مقام تصمیم‌گیرنده، بر رسانه‌ها بیشتر است تا فشار رسانه بر دولت و برای تصمیم‌سازی. از این رو، کارشناسان در تبیین نقش رسانه در سیاست خارجی از دو شیوهٔ تحقق دیپلماسی رسانه‌ای سخن گفته‌اند: یکم، دیپلماسی رسانه‌ای با مدیریت سازمان‌های دیپلماتیک رسمی کشور (مانند کاری که بی‌بی‌سی جهانی و صدای آمریکا انجام می‌دهند) دوم، مشارکت فعال، اما خودجوش رسانه در راستای سیاست خارجی کشور.

به این ترتیب، تعامل سیاستمداران و رسانه‌ها برای پیشبرد سیاست خارجی است، زیرا دیپلماسی برای موفقیت خود، بیش از پیش به تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است.

### ارزیابی راهبردها

بی‌تردید شیوه، دامنه و عمق اثرگذاری این دو راهبرد همسان و هم‌سنگ نیست؛ آموزش، ذهن را آماده و به روی داده‌های بیشتر و جدیدتر باز می‌کند، اما رسانه با تبلیغات آن را گویج می‌کند. به همین دلیل موفقیت ناشی از دیپلماسی عمومی مبتنی بر آموزش پایدارتر است تا دیپلماسی عمومی مبتنی بر ابزارهای رسانه‌ای.

از سوی دیگر، دیپلماسی رسانه‌ای در سطوح پایین‌تر جامعه توانایی بیشتری برای تأثیرگذاری بر مخاطبان دارد؛ از آنجا که نوع پیام‌هایی که برای توده مردم و مخاطب عام منتشر می‌شود، بیشتر مبتنی بر احساس و عاطفه است، لازم نیست درباره هر پیام، تلاش فکری زیادی برای فرمول‌بندی و اقناع مخاطب صورت گیرد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۵).



با این حال، تفاوت‌ها و تمایزها هیچ‌گاه مانع از اثرگذاری همزمان این دو راهبرد نبوده و نیست. قدرت‌های بزرگ و موفق در عرصه دیپلماسی عمومی نیز این دو شیوه را همزمان به کار می‌برند؛ چنان‌که جوزف نای باور دارد آمریکایی‌ها به دو دلیل قدرتمند هستند: اول اینکه الهام‌بخش رؤیایها و آرزوهای دیگران هستند؛ به دلیل تصویری که سلطه جهانی آنها



## دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران ... ❖ ۱۷

بر سینما و تلویزیون برایشان به ارمغان آورده، دوم اینکه دانشجویان زیادی از سراسر دنیا برای تکمیل تحصیلات خود به آمریکا می‌روند (نای، ۱۳۸۷: ۴۷).

در جمع‌بندی کلی باید اذعان نمود که هر دو راهبرد در کامیابی دیپلماسی عمومی مؤثرند. با این تفاوت که «طریقه رسانه‌های جمعی برای تأثیرگذاری مستقیم بر توده مردم به کار می‌رود، در حالی که دیگر طریقه‌ها عمدتاً فرهنگی بوده و به سوی مخاطبان نخبه تمایل دارند؛ با این باور که آنها بر افکار عمومی تأثیرگذار هستند» (گیلبوا، ۱۳۸۸: ۸۱).

### دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام منابع و فرصت‌ها

به نظر می‌رسد که شالوده و جوهر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی را نظریه «صدور انقلاب» شکل می‌دهد که الهام گرفته از اصل «دعوت» در آموزه‌های اسلام است و به طور رسمی و علنی در مجموعه اهداف سیاست خارجی ایران نیز بازتاب یافته است.<sup>۱</sup> جمهوری اسلامی با به کارگیری بیشترین توان خود برای مدیریت افکار عمومی در سایر جوامع، می‌کوشد تا این دغدغه را جامعه عمل بپوشد و دیپلماسی عمومی ایران به مثابه یکی از ابعاد و ابزارهای سیاست خارجی عبارت است از: تلاش و کوشش سازمان‌یافته برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها،

۱. از سویی تبیین و ترویج اسلام در قالب دعوت، وظیفه و هدف دولت و حکومت اسلامی در هر نقطه از جغرافیا و تاریخ بشری است و اکنون که جمهوری اسلامی ایران به صورت مرکز جهان اسلام درآمده، مکلف و موظف به پیگیری این هدف در عرصه بین‌المللی است و از سوی دیگر، انقلاب‌های فراملی به طور طبیعی خواهان تغییر و تحولات ساختاری و هنجاری در جوامع و کشورهای دیگر هستند. امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و معمار جمهوری اسلامی با تعابیر گوناگون به موضوع صدور انقلاب پرداخته‌اند، اما چنان‌که برخی پژوهشگران اشاره کرده‌اند، این سخنان بیشتر اظهار امیدواری برای گسترش انقلاب با الهام‌گیری دیگران از آن بوده است تا مجوزی برای لشکرکشی به کشورهای دیگر و براندازی حکومت آنان (رضانی، ۱۳۸۶: ۶۵). امام بارها به برداشت مسالمت‌جویانه از صدور انقلاب و راهبرد فرهنگی برای تحقق آن اشاره نمود و برداشت خشونت‌آمیز و راهبرد امنیتی را تخطئه کرد: «ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم یا شمشیر باشد، بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد.» (موسوی خمینی، ج ۱۸: ۷۲) از این رو، الگوی صدور قهرآمیز انقلاب هیچ‌گاه به صورت هدف و راهبرد رسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیگیری نشده، بلکه صدور مسالمت‌آمیز با شیوه‌هایی مانند حمایت معنوی و سیاسی (از طریق سازمان‌های بین‌المللی) از نهضت‌های آزادی‌بخش و الگوپردازی و ارائه دولت سرمشق از جمهوری اسلامی به وسیله تبلیغات مورد توجه و در دستور کار قرار داشته و دارد.

انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و باورهای دیگر ملت‌ها از طریق تبیین و اشاعه آموزه‌ها و هنجارهای اسلامی و انقلابی.

جمهوری اسلامی ایران این هدف را با به کارگیری منابع فرصت‌ساز «قدرت نرم»<sup>۱</sup> خویش در چارچوب دیپلماسی عمومی پیگیری می‌کند. در ادامه به برخی از این تکاپوها و دستاوردهای آن اشاره می‌کنیم.

### فرهنگ و ارزش‌های اسلامی

آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را شکل می‌دهد، مبتنی بر فطرت بوده و پایداری درخور توجهی در مقایسه با دیگر منابع قدرت نرم دارند. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر - به‌ویژه کشورهای مسلمان - پیش رو می‌نهد که زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند.

در دوران پس از انقلاب ایران، پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، به‌ویژه

۱. این مفهوم را اولین بار جوزف نای، اندیشمند و نویسنده آمریکایی، در اوایل دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد. او در جریان کالبدشکافی منابع قدرت ایالات متحده و برای اشاره به ابعاد نرم‌افزارانه و غیرملموس قدرت آمریکا که جنبه جذب و اقناع دارند و نه اجبار یا اغوا، این مفهوم را به کار برد. از آن پس این مفهوم در روابط بین‌الملل و مطالعه‌های سیاست خارجی آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر استفاده شده است. از دید او قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق جذب آنها و جلب موافقت و رضایت دیگران برای همسوسازی آنها با اهداف و منافع یک کشور است. هسته اصلی قدرت نرم، جذابیت است، یعنی در شرایطی که هیچ تهدید یا پاداشی وجود ندارد، دیگران از طریق باور و پذیرش ارزش‌هایی که میان ما و آنها مشترک است، همان چیزی را بخواهند که ما می‌خواهیم و به همسویی و همکاری با ما بپردازند.

قدرت نرم واژه‌ای است که بیشتر اوقات درباره دیپلماسی عمومی به کار می‌رود. از نظر مفهومی نیز دیپلماسی عمومی تنها بر پایه و در چارچوب قدرت نرم فهمیده و صورت‌بندی می‌شود. به طور کلی دیپلماسی عمومی ابزاری است برای به کارگیری منابع قدرت نرم تا تصویر یک کشور را در جهان بهبود بخشد. با این حال، در تقسیم‌بندی نای، سیاست‌ها - که دیپلماسی عمومی نیز بخشی از آن تلقی می‌شود - خود بخشی از منابع قدرت نرم تلقی می‌شوند. می‌توان گفت دیپلماسی عمومی مهم‌ترین ابزار قدرت نرم است. البته برخورداری از منابع قدرت نرم به‌خودی‌خود به معنای برخورداری از دیپلماسی عمومی نیست. اما اگر دیپلماسی عمومی - چه در شکل رسانه‌ای و چه در قالب آموزشی آن - به‌خوبی به کار رود، اثر آن بازتولید و افزایش قدرت نرم خواهد بود. بنابراین قدرت نرم و دیپلماسی عمومی لازم و ملزوم یکدیگرند و بر هم اثر متقابل دارند.

در حوزه جهان اسلام و در مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، باعث شده تا بسیاری از روشنفکران و نخبگان و مردم کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند. از این رو، می‌توان گفت ایران به واسطه رسمیت یافتن اهداف و احکام اسلامی در آن، تا حد زیادی توانایی الهام‌بخشی و جذب دیگر کشورهای اسلامی را یافته است.

مذهب شیعه نیز، به‌ویژه در مناطق پیرامونی ایران، از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. البته با وجود اینکه «توسل به اتحاد شیعه موقعیت کشور - ملت ایران را به مثابه بازیگر فعال در منطقه تقویت کرده»، دولت جمهوری اسلامی برای پرهیز از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شیعیان منطقه علیه حکومت‌های سنی و وابسته به غرب، بیشتر بر ارزش‌های مشترک در میان امت اسلام تکیه و تأکید می‌کند که ضمن سازگاری با نقش «ام‌القربی»<sup>۱</sup> آن، حساسیت‌های کمتری را برمی‌انگیزد (توال، ۱۳۸۴: ۶۰).

۱. بر اساس نظریه سازه‌انگاری یا برساخته‌گرایی، منافع ملی در سیاست خارجی بیش از هر چیز مبتنی بر نقشی است که یک کشور بر مبنای هویت ملی خویش برای خود تعریف می‌کند. این نقش و هویت در طول زمان و به واسطه هنجارهای بین‌الذنهانی مشترک داخلی و بین‌المللی شکل می‌گیرد. از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی هسته هویتی جمهوری اسلامی ایران را می‌سازند و در تعیین منافع، اهداف و نقش‌های سازگار با آن، جایگاهی کانونی دارند، می‌توان با صورت‌بندی سیاست خارجی ایران در قالب این نظریه تمهیدهای نظری لازم را برای درک ماهیت و مبنای دیپلماسی عمومی ایران و به‌ویژه چرایی و چگونگی جهت‌گیری خاص آن به سوی جهان اسلام دریافت. جمهوری اسلامی ایران خود را هم‌زمان به تأمین منافع ملت ایران و مصالح امت اسلامی، مسئول و مکلف می‌داند. به همین دلیل از دید برخی پژوهشگران «امت‌گرایی» (به جای ملی‌گرایی) وجهه اصلی سیاست خارجی ایران متأثر از انقلاب اسلامی به شمار می‌رود (درخشه، ۱۳۸۷: ۳۳۳).

پس از انقلاب اسلامی گروهی از تحلیلگران مفهوم «ام‌القرا» را برای تبیین وضعیت و نسبت میان جمهوری اسلامی ایران با جهان اسلام به کار بستند. از جمله این پژوهشگران «محمدجواد لاریجانی» است که نظریه ام‌القرا را به طور مدون برای پاسخ به پرسش از نسبت میان مصالح اسلامی و منافع ملی ایران مطرح کرده است. بر اساس این نظریه اگر تراجمی بین مقتضیات نقش‌های تأمین منافع ملی و حمایت از امت اسلامی ایجاد شود، همواره مصالح امت اولویت دارد، اما اگر هستی ام‌القرا که حفظ آن بر همه امت واجب است به خطر افتد، در ارتباط دیالکتیک بین ام‌القرا و جهان اسلام، همه امت باید از ام‌القرا دفاع کنند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۲۶۱ و ایزدی، ۱۳۸۶: ۴۸).

در میدان عمل نیز تعهد به هموار کردن راه تشکیل امت واحد جهانی که در مقدمه قانون اساسی آمده، بیان‌کننده ایفای نقش ام‌القرا دارالاسلام از سوی جمهوری اسلامی است و رهبران جمهوری اسلامی نیز همواره به چنین نقش و جایگاهی برای ایران پس از انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران پس از دوران جنگ تحمیلی با برگزیدن آگاهانه و برنامه‌ریزی شده نقش ام‌القرا برای خود- که زمینه‌های آن با پیروزی انقلاب اسلامی فراهم شده بود- مجموعه‌ای از اهداف و منافع فراملی را پی می‌گیرد که تأمین مصالح همه امت اسلام را به دنبال خواهد داشت. تحولات دو دهه اخیر در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایران، تا حد زیادی ایفای این نقش از سوی جمهوری اسلامی را اثبات کرده است.

### زبان فارسی و فرهنگ ایرانی

هرچند زبان فارسی به طور رسمی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان عمومیت دارد، در کشورهایی نظیر: عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان سخن می‌گویند و نفوذ آن در زبان‌های دیگر مانند: ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و... انکارناپذیر است. در مجموع و تقریباً حدود ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی تکلم می‌کنند و در ساختار زبانی بیش از ۲۰۰ میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردوزبان، از فارسی سهمی اساسی دارند.

از سوی دیگر، بدون زبان مشترک، تداوم فرهنگی امکان‌پذیر نیست و فرهنگ به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود. به همین دلیل، زبان از یک سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر، سازنده آن است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو، جذب و اقیاع دیگران - به مثابه اساس دیپلماسی عمومی - بهره‌گیری از زبان مشترک است، زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را در این عرصه پیش روی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد.

سنت‌ها و عادت‌های تاریخی ایرانیان نیز مظهري از قدرت نرم ایران به شمار می‌رود. فراگیری مراسم و مناسبت‌های ایرانی مانند «نوروز» نشان از نفوذ فوق‌العاده فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر دارد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

همچنین نحوه نگرش مردم ایران به آرمان‌ها و آرزوها، به‌شدت انسانی است. شعر ایران که بیشترین منعکس‌کننده بینش و نگرش جامعه ایرانی می‌باشد، مشحون از آرزوها و آمالی است که همگی در پی جهانی ایده‌آل و آرمانی هستند؛ جهانی که در آن انصاف، عدل، تساوی، برادری و برابری و معنویت شاخصه‌های اصلی هستند (سجادپور، ۱۳۸۶: ۷). از این رو، باید زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در حوزه تمدنی ایران و حتی فراتر از آن، منبعی غنی برای قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به شمار آوریم.

### مردم‌سالاری دینی

منظور از مردم‌سالاری دینی، جمع میان حاکمیت الهی و حق مردم برای رقم زدن سرنوشت

خویش است که در قالب نظام و ساختار حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران و در جلوه‌گاه‌هایی مانند قانون اساسی و اندیشه رهبران و واقعیت‌های جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی دیده می‌شود.

اگرچه برخی نویسندگان غربی گرایش به مردم‌سالاری دینی در گفتمان جمهوری اسلامی را انصراف از اسلام سیاسی و روی آوردن به حقوق بشر و دموکراسی تلقی کرده‌اند، رهبران جمهوری اسلامی تأکید دارند که نگاه مردم‌سالارانه به اسلام، برآمده از متن آموزه‌های دینی است.

*این مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد... مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم، نه خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است... مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است، یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آنجایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دموکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند (سخنان رهبر انقلاب در ۱۲ آذر ۱۳۷۹: www.khamenei.ir).*

در این الگوی جدید از حاکمیت سیاسی، دین جایگاهی محوری در سیاست نظری و عملی دارد و حتی نظریه دولت و پراکندگی قدرت در جامعه را نیز سامان می‌دهد. در نظریه دولت برآمده از ایده مردم‌سالاری دینی، «دین نقشی را ایفا می‌نماید که اندیشه‌گران معاصر به حقوق بشر داده‌اند و توقع دارند که این حقوق به نوعی بین دولت و ملت حائل شده، از تضاد آن دو ممانعت به عمل آورد» (لنون، ۱۳۸۸: ۱۷). در جمهوری اسلامی ایران، دین به جای آنکه همچون حقوق بشر منطقه، حائلی میان دولت و ملت پدید آورد و مانع از دست‌اندازی دولت به منافع ملت شود، دولت و ملت را در زمینه‌ای از ارزش‌های مشترک به هم پیوند می‌دهد که هر دو باید به آن متعهد و پایبند باشند.

با توجه به این زمینه‌ها می‌توان گفت مردم‌سالاری دینی از جمله ارزش‌های سیاسی و دینی جمهوری اسلامی است که ایده‌ای نو در جهان سیاست به شمار می‌رود و در رویارویی با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی می‌تواند مزیت نسبی و رقابتی ایران تعریف شود. برخی از نویسندگان و پژوهشگران نیز بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که: «از ارزش‌های اساسی ایران که می‌تواند در سطح جهانی مطرح شود، مردم‌سالاری موجود در ایران و انتخابات متعدد است» (واعظی، ۱۳۸۹: ۹۵؛ پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

### پیشرفت‌های علمی و خودکفایی اقتصادی

جوزف نای در سخنرانی سال ۲۰۱۰ خویش در «شورای بریتانیا» منابع اقتصادی را دارای قابلیت تولید قدرت سخت و نرم به صورت همزمان می‌داند، یعنی همان طور که «یک اقتصاد موفق و رو به رشد، وسیله‌ای برای تحریم‌ها در اختیار قرار می‌دهد، می‌تواند الگو باشد و دیگران را جذب کند» (See Joseph Nye's Lecture in British Council in: [www.britishcouncil.org](http://www.britishcouncil.org)).

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دلیل آموزه‌های برآمده از تفکر اسلامی و با توجه به شرایط خاص محیطی و بین‌المللی که تحریم‌های اقتصادی را بر آن تحمیل کرده، در وضعیتی قرار گرفته که هم به دنبال الگوی اقتصاد اسلامی است که پیشرفت همراه با عدالت و معنویت را مدنظر دارد و هم به توان خودکفایی در تولید مواد و کالاهای اساسی و ارائه خدمات ضروری در چرخه صنعت و اقتصاد می‌اندیشد.

اگرچه در عمل، دستیابی به چنین الگویی و پیاده‌سازی آن بسیار دشوار می‌نماید، مروری بر کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، این گرایش را در کنار بهره‌گیری از تجربه‌های درست و سودمند اقتصادهای غربی و شرقی نشان می‌دهد که البته هنوز به مراحل بلوغ و تکامل خود نرسیده است. در عین حال، همین انگیزه‌ها و تلاش‌ها به همراه دستاوردهای اندک، اما امیدوارکننده‌ای که در پی داشته، در میان بسیاری از کشورهای منطقه و جهان

اسلام، الگویی ویژه به شمار می‌رود.

این امر از آن رو شایسته توجه و دقت بیشتر است که جمهوری اسلامی ایران، دستیابی به الگوی اقتصاد اسلامی و پیشرفت همراه با عدالت را مبتنی بر پیشرفت‌های علمی خودبنیادی دنبال می‌کند که در شرایط تحریم‌های دشوار اقتصادی به آن دست یافته است. بر این اساس، رهبران جمهوری اسلامی ایران دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی و تولید ثروت ملی را با بستن چاه‌های نفت و وابسته نبودن به صدور آن - که از منابع تجدید ناشدنی ثروت ملی به شمار می‌رود - هدف‌گذاری کرده‌اند.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران تا استوار شدن کامل پایه‌های اقتصادی دانش‌بنیاد و نمایش تمام‌عیار آن برای جذب دیگران، راه درازی در پیش دارد، پیشرفت‌ها و دستاوردهای مذکور، افق پیش رو در این مسیر را روشن نشان می‌دهد. دولتمردان ایرانی مانند رئیس‌جمهور کنونی، با استفاده مناسب از این عامل در برخی سفرهای خارجی خود، نمونه‌هایی از دستاوردهای دانشمندان کشور مانند «نانوسکوپ» ساخت ایران را به سران کشورهایمانند قطر و لبنان هدیه کرده که اقدام مناسبی برای بهره‌گیری از قدرت نرم کشور در راستای دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود.

### ایده‌پردازی و مفهوم‌سازی

به نظر «برژینسکی» کشوری که دارای پیام و سخن در عرصه بین‌المللی است، دیگران را مخاطب خود می‌کند و سرانجام توفیق می‌یابد (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۵۱). در واقع، قدرت جذب‌کنندگی به مثابه پایه و کانون قدرت نرم، می‌تواند بر مبنای گیرایی ایده‌های دیپلماسی عمومی یک کشور باشد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی چنین کشوری جذاب باشد، دیگر کشورها اشتیاق بیشتری در پیروی از ایده‌های آن نشان خواهند داد. همچنین اگر آن کشور قادر باشد هنجارهایی بین‌المللی برقرار کند که با جامعه‌اش همخوانی داشته باشد، احتمال اینکه در درون خود ناگزیر به تغییر دادن این هنجارها شود، کاهش می‌یابد. به تبع این هنجارها،

هویت، نقش و منافع چنین عاملی نیز تثبیت می‌شود.

شاید بتوان عمده‌ترین و مهم‌ترین طرح جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی را «معنویت‌گرایی» و «مردم‌محوری» به صورت همزمان دانست. رهبران جمهوری اسلامی نیز این را یکی از ایده‌های ایران و مزیت نسبی آن در رقابت با دیگران می‌دانند:

دیپلماسی پخته به بلوغ رسیده‌ای وجود دارد که شعارهای انقلابی‌اش را در همه جای دنیا در دست خود می‌گیرد و از موضع عزت، با همه کشورهای هم روابط صحیح و سالمی برقرار می‌کند... ما شعارها و منش و راه انقلاب را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهیم، اما عقیده ما این است که در این دنیای مادی، از این بالاترش را هم می‌شود. در این دنیای مادی، آن کسی که فکر و ایده‌ای دارد، برنده است (سخنان رهبر انقلاب در یکم مرداد ۱۳۶۹: www.khamenei.ir).

چنین گرایشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه ابزار و روشی ناگزیر در دنیای جهانی شده به شمار رود، گزاره‌ای بایسته و هنجار غیرقابل چشم‌پوشی برآمده از بنیاد ایدئولوژیک آن بوده و پیامد ذاتی آن است. در واقع، مهم‌ترین ایده سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سرشت اسلامی و انقلابی است که در تار و پود آن تنیده شده و در برنامه‌ها و رفتارهای آن نمایان است.

معناسازی، الهام‌بخش کنش‌های فردی و جمعی است که خود پیامدهای فراوانی را در زندگی اجتماعی و سیاسی به همراه دارد. ایجاد حساسیت به مسائل خاص، تعریف آن مسائل و تبدیل آنها به کانون توجه همگان، اصولاً پدیده‌ای نرم‌افزاری است. یک کشور ممکن است به این دلیل به اهداف جهانی خود برسد یا آسان‌تر به آنها دست یابد که دیگران می‌خواهند از آن پیروی کنند. بنابراین، تنظیم دستور کار و سامان‌دهی به وضعیت سیاست جهان از مهم‌ترین توانایی‌ها در زمینه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود.

جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون توانسته در مواردی بر دستورالعمل سیاست جهانی و روابط بین‌المللی یا منطقه‌ای تأثیرهای مهمی بر جای بگذارد. برای نمونه ایران با مطرح



کردن مسئله «مقاومت» در برابر اشغالگری و تجاوزگری رژیم صهیونیستی، آن را به گفتمان عمومی مردم منطقه خاورمیانه تبدیل کرده و توانسته روند برنامه سازش در منطقه را که آمریکا از آن حمایت می‌کند، متوقف یا مخدوش کند. ابتکار اعلام جمعه پایانی ماه رمضان به نام «روز قدس» از سوی امام خمینی (ره) نیز باعث زنده نگه داشتن یاد فلسطین و انتفاضه به عنوان مسئله اصلی و مشترک همه مسلمانان در سراسر جهان اسلام و فراتر از آن شده است.

### اقدامات

با وجود تفاوت‌های بنیادین نظری میان دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی عمومی در نگرش غربی، به نظر می‌رسد در عرصه عمل، دو راهبرد آموزشی و رسانه‌ای که در الگوی عام دیپلماسی عمومی به آنها اشاره کردیم، در مجموعه اقدامات دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی نیز به چشم می‌خورند. به‌ویژه در سال‌های پس از دهه اول انقلاب اسلامی که الگوی «دولت سرمشق» عملاً بر گرایش آشکار به صدور انقلاب سایه انداخته است، جمهوری اسلامی ایران نیز از این دو راهبرد برای اثرگذاری بر نخبگان و عامه مردم در جهان اسلام بهره می‌گیرد.

### راهبرد آموزشی

جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سرمایه‌گذاری بلندمدت برای مهار افکار و جذب علایق نخبگان جهان اسلام در راستای امنیت و منافع ملی خویش پرداخته است. از جمله در زمینه مبادله‌های علمی، دانشجویان بسیاری از کشورهای جهان اسلام برای تحصیل در ایران پذیرفته شده‌اند. بخشی از این دانشجویان که از کشورهای عربی وارد ایران می‌شوند، در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین مشغول به تحصیل هستند. این دانشجویان پس از گزینش، دوره‌ای شش ماهه تا یک ساله را برای آموزش زبان فارسی می‌گذرانند و سپس بر اساس رشته‌های تحصیلی بین دانشگاه‌های مختلف تقسیم می‌شوند

(مهتدی، ۱۳۸۷: ۱۷). همچنین برخی نهادها و مؤسسه‌ها با همکاری برخی دانشگاه‌ها به جذب و پذیرش دانشجو از کشورهای منطقه می‌پردازند. برای نمونه بنیاد ایران‌شناسی با همکاری دانشگاه شهید بهشتی برای مقطع کارشناسی ارشد دانشجوی ایران‌شناسی می‌پذیرد (کمالیان، ۱۳۸۷: ۸).

اما بزرگ‌ترین نهاد ایرانی فعال در زمینه جذب و پذیرش دانش‌پژوه از جهان اسلام را باید «جامعه‌المصطفی‌العالمیه» دانست. جامعه‌المصطفی‌نهادی علمی - حوزوی بین‌المللی است که تلاش می‌کند پاسخگوی نیاز علاقه‌مندان معارف اسلامی و ایجادکننده خیزشی جدید در نظریه‌های اسلامی در جهان اسلام باشد. بر اساس اعلام پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی، این نهاد به نام پیامبر اسلام مزین شده تا هیچ دافعه‌ای را در میان مخاطبان مسلمان ایجاد نکند. همچنین دو هدف مهم و نهایی این نهاد عبارت‌اند از: تربیت مجتهدان، پژوهشگران، مدرسان، مبلغان و دانشمندان اسلامی پارسا و متعهد و نیز تبیین و تعمیق اندیشه قرآنی و اسلامی و گسترش نظریه‌های اسلامی و معارف الهی و انسانی.

پذیرش دانشجو در جامعه‌المصطفی، از طریق نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف و با مراجعه به وبسایت المصطفی انجام می‌پذیرد. برخی از مراکز وابسته به جامعه‌المصطفی در ایران عبارت‌اند از: مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، مؤسسه آموزش عالی مذاهب اسلامی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی (ویژه خواهران)، مؤسسه آموزش‌های کوتاه‌مدت و فرصت‌های مطالعاتی، دانشستان المصطفی (ویژه آموزش‌های مجازی و غیرحضور)، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، مرکز تخصصی زبان و فرهنگ و...

واحدهای جامعه‌المصطفی در تهران، مشهد، اصفهان، گرگان و قشم وجود دارد و مجتمع‌های آموزشی ویژه‌ای نیز برای همسران و فرزندان طلاب در نظر گرفته شده است. مهم‌تر آنکه جامعه‌المصطفی در چند کشور دارای نمایندگی و مؤسسه‌های آموزشی وابسته، پیوسته و همکار است که از جمله آنها می‌توان به کالج اسلامی لندن، کالج اسلامی اندونزی و دانشگاه

اسلامی غنا اشاره کرد.

علاوه بر چند مراکز آموزش عالی که تحت اشراف این دانشگاه در جهان اسلام فعالیت می‌کنند، این نهاد با تعدادی از مدارس و مؤسسه‌های آموزشی و حوزوی در برخی از کشورهای دیگر نیز همکاری دارد. طبق اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی این نهاد، جامعه‌المصطفی در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ استاد و عضو هیئت علمی در داخل و خارج ایران دارد که در مجموع، در ۱۵۰ رشته و گرایش تحصیلی مصوب مشغول به فعالیت یا در حال راه‌اندازی آن هستند.

از ابعاد مهم فعالیت‌های المصطفی، همکاری با بیش از ۵۰ حوزه و دانشگاه و نهاد فرهنگی بین‌المللی در ایران و خارج کشور در زمینه تبادل استاد، دانشجو، اعطای بورس تحصیلی، برگزاری کنفرانس‌های علمی و پژوهشی مشترک و تبادل هیئت‌های بازدیدکننده با دیگر مراکز علمی و دانشگاهی خارج از کشور است که از جمله آنها می‌توان به اتحادیه دانشگاه‌های جهان اسلام اشاره کرد.

به دلیل حساسیت‌های فراوان، آمار و اطلاعات مربوط به جزئیات کار و دستاوردهای این نهاد، اغلب محرمانه تلقی شده و در منابع رسمی سخنی از آن نیست. اما داده‌های پراکنده و غیررسمی حکایت از پذیرش بیش از ۲۰ هزار دانشجو از بیش از ۱۰۰ کشور جهان از سوی المصطفی دارد (مدخل «حوزه علمیه» در دانشنامه جهان اسلام؛ بخش حوزه علمیه قم، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)).

گفتنی است علاوه بر جامعه‌المصطفی، برخی مراکز آموزشی دیگر مانند «دانشگاه مذاهب اسلامی» نیز به جذب دانشجویان از کشورهای اسلامی در ایران همت گماشته‌اند و معدودی از دانشجویان خارجی نیز در دیگر مراکز آموزش عالی کشور مانند دانشگاه تهران پراکنده‌اند.

### راهبرد رسانه‌ای

در دنیای امروز، رسانه‌ها بازیگران غیردولتی سیاست‌گذاری خارجی کشورها به شمار می‌روند که فعالیت آنها را نه می‌توان کامل مهار کرد و نه می‌توان نادیده گرفت. آنها در

گفتمان سستی سیاست خارجی تغییرهای فراوانی ایجاد کرده‌اند و دولت‌ها را به تحول در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی وادار کرده‌اند. در پی جایگاه نوین گفتمان‌سازی و تصویرسازی در تعامل‌های سیاسی، نقش رسانه‌ها نیز در اقتناع دیگران بسیار مهم‌تر از گذشته شده است. اهمیت مضاعف راهبرد رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی از آن روست که مخاطبان برنامه‌های رسانه‌ای، بسیار گسترده‌تر از مخاطبان مبادله‌های آموزشی هستند.

جمهوری اسلامی ایران نیز در دیپلماسی عمومی خود در جهان اسلام به این مقوله بی‌توجه نبوده است. مهم‌ترین گام ایران در این زمینه را باید راه‌اندازی شبکه تلویزیونی «العالم» در بهمن ۱۳۸۱ دانست. این اقدام همزمان با تجاوزهای آمریکایی و انگلیسی به کشور عراق بود و با آنکه در ابتدا برای این شبکه تنها شش ساعت برنامه در روز در نظر گرفته شده بود، به دلیل جنگ عراق و در حالی که تنها یک ماه از شروع به کار العالم می‌گذشت، این شبکه ۲۴ ساعته به فعالیت خود ادامه داد.

العالم شبکه تلویزیونی شبانه‌روز اخبار به زبان عربی در خاورمیانه است که مطابق اعلام رسمی پایگاه اطلاع‌رسانی آن، اهداف مختلفی را پی می‌گیرد: اطلاع‌رسانی سریع و شفاف از رویدادها و تحولات سیاسی جهان و منطقه؛ بررسی ریشه‌های تاریخی مسائل مسلمین و راه‌های برون‌رفت از آن؛ گسترش روح همدلی درباره هویت فرهنگی واحد، آرمان‌ها و مصالح مشترک مردم منطقه و اتخاذ سیاست رسانه‌ای فعال در برابر جریان‌های یک‌سویه امپریالیسم خبری غرب.

العالم هم‌اکنون حدود ۵۰ خبرنگار در بیش از ۴۰ نقطه جهان و چهار دفتر رسمی در تهران، بیروت، بغداد و دمشق دارد. استفاده از چند دفتر غیررسمی نیز فرایند تهیه و ترجمه، پردازش، ویرایش و در نهایت پخش اخبار سراسر جهان را در کوتاه‌ترین زمان برای این شبکه امکان‌پذیر کرده و این شبکه روزانه در ۳۶ بخش کوتاه و مشروح خبری همراه با تحلیل و گزارش، رویدادهای مهم بین‌المللی را به اطلاع بینندگان خود می‌رساند و برخی مسائل تأثیرگذار جهان اسلام از جمله موضوع‌های مرتبط با مسائل کشورهای عراق، فلسطین

و لبنان را بیشتر پوشش می‌دهد.

از آنجا که عربی، زبان جهان اسلام است، العالم همچون پل ارتباطی بین ایران و جهان اسلام عمل می‌کند، اما ارزیابی دقیق میزان اثرگذاری این شبکه دشوار است. با این حال، نشانه‌هایی از اثرگذاری العالم را می‌توان از حساسیت‌های رقیبان دیپلماسی عمومی ایران در جهان اسلام دریافت؛ برای نمونه عملکرد مناسب این شبکه در جریان تجاوز نظامی آمریکا به عراق، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و حزب‌الله و سپس مقاومت ۲۲ روزه مردم در غزه باعث شد تا در آبان ۱۳۸۸، پنخس شبکه العالم به‌صورت هماهنگ از سوی ماهواره‌های عرب‌ست و نیل‌ست که تقریباً عمده مخاطبان عرب‌زبان را پوشش می‌دهند، قطع شود (اسلامی، ۱۳۸۹).

علاوه بر این و در حالی که العالم رقیبان سرسختی همچون: بی‌بی‌سی عربی، الجزیره و العربیه را در منطقه پیش روی خود دارد، برخی نظرسنجی‌ها که در زمینه وضعیت رسانه‌های خبری در خاورمیانه از طرف شبکه‌های رقیب انجام شده، از ارتقای جایگاه شبکه العالم در بین مخاطبان و افکار عمومی جهان عرب حکایت دارد. بر اساس نظرسنجی‌ای در کشورهای عربستان سعودی و لبنان شبکه العالم در رتبه پنجم و بالاتر از بی‌بی‌سی عربی، الحره و الأخباریه قرار دارد، در حالی که رسانه‌های سعودی و قطری اعم از دولتی و سایت‌های وهابی فعالیت تخریبی زیادی علیه آن انجام می‌دهند (جایگاه «العالم» در بین پنج شبکه پرمخاطب خاورمیانه: [www.medianews.ir](http://www.medianews.ir)).

### ارزیابی راهبردها

با نگاهی به کارنامه جمهوری اسلامی در زمینه دو راهبردی که نام بردیم، دو آسیب مهم در این رابطه به چشم می‌خورد: نخست آنکه برخلاف مبادله‌های علمی حوزوی، عملکرد نهادهای دانشگاهی در این رابطه ضعیف به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه آنکه پس از فارغ‌التحصیلی، بهره‌چندانی از دانشجویان وارد شده به کشور صورت نمی‌گیرد و آنها بی‌برنامه به حال خود رها می‌شوند و گاه پس از بازگشت به کشورهای خود، احساس سرخوردگی می‌کنند

(مهتدی، ۱۳۸۷). تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با وجود تبادلات دانشجویی همیشگی، اما کم و پراکنده، تبادلات در سطح استادان حتی در همین حد نیز دیده نمی‌شود. دیگر اینکه بسنده کردن به پخش یک شبکه خبری در زمینه راهبرد رسانه‌ای کافی نیست، زیرا یکی از ابعاد مهم فعالیت و اثرگذاری رسانه، سرگرمی است، در حالی که تا ابتدای دهه چهارم انقلاب، کمتر اثری از این برنامه‌های رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی ایران در جهان اسلام به چشم می‌خورد. تلاش صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برای راه‌اندازی شبکه تلویزیونی «آی فیلم»<sup>۱</sup> در شهریور ۱۳۸۹ که محصولات رسانه‌ای مانند فیلم و سریال ایرانی را به زبان عربی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد، اقدامی شایسته، اما دیر هنگام در این زمینه است که باید با جدیت در تلاش‌های بعدی تکمیل و تقویت شود.

### اولویت‌ها

با دقت در تجربه عینی و عملی جمهوری اسلامی می‌توان به آسانی این نکته را دریافت که دیپلماسی عمومی ایران اگرچه همه جهان اسلام را مخاطب هدف خود می‌بیند، بر حوزه‌های خاص جغرافیایی تمرکز بیشتری دارد. این حوزه‌ها عمدتاً عبارت‌اند از:

الف. خاورمیانه، خلیج فارس و کشورهای عربی

ب. آسیای میانه، قفقاز و جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی

علاوه بر جایگاه ویژه جغرافیایی ایران که نقطه تلاقی این دو منطقه به شمار می‌رود، وجود اسرائیل به عنوان دشمن اصلی و مشترک جهان اسلام و به تبع آن حضور مستقیم نظامی آمریکا به مثابه مهم‌ترین تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی در این مناطق، اهمیت مضاعف و اولویت منطقی این دو محور را بر دیگر مناطق جغرافیایی جهان اسلام برای جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد.

در سطوح پایین‌تر شاید بتوان یکی از دلایل رشد و گسترش دیپلماسی عمومی ایران در دو محور خاورمیانه و آسیای میانه را تأکید «سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴» دانست که بر

1. IFilm

اساس آن، ایران تا سال ۱۴۰۴ باید به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) دست یابد.

جمهوری اسلامی ایران در این راستا به دنبال تقویت جایگاه خود در منطقه و نظام بین الملل است. اولویت نخست ایران برای این تغییر و ارتقای جایگاه، منطقه آسیای جنوب غربی (شامل دو محوری است که به آن اشاره کردیم) و حتی بر دیگر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و دولت‌ها و ملت‌های ناراضی از سلطه ابرقدرت‌های جهانی و نظام ناعادلانه بین المللی نیز رجحان دارد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

به طور طبیعی برنامه و کارنامه دیپلماسی عمومی ایران در این دو محور تا اندازه‌ای متفاوت است:

### خاورمیانه، خلیج فارس و کشورهای عربی

یکی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که در حوزه جهان عرب پیش روی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی است، علاقه‌مندی و نزدیکی فکری محافل روشنفکری عرب با گفتمان انقلاب اسلامی - به‌ویژه وجه سازش‌ناپذیر آن در برابر اسرائیل و اقتدارگرایی رژیم‌های سیاسی عرب - است، چراکه محافل روشنفکری جهان عرب برعکس محافل روشنفکری ایرانی، ضدآمریکایی و ضداسرائیلی هستند.

از سوی دیگر، در کشورهای عربی «بین‌نخبگان فکری و نخبگان اجرایی اختلاف‌نظر وجود دارد. در این کشورها نخبگان علمی و دانشگاهی و توده‌های مردم بر روی مواضع جمهوری اسلامی حساب کرده و آن را تأیید می‌کنند» (مهتدی، ۱۳۸۷: ۱۲). علت اصلی توجه جمهوری اسلامی به نخبگان فکری جهان عرب نیز این بوده که این نخبگان، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را در ضدیت با آمریکا و رژیم‌های این کشورها می‌پسندند و چون این نخبگان با افکار عمومی جوامع خویش در ارتباط هستند، در جهت‌دهی به افکار عمومی اعراب تأثیرگذارند (مهتدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

البته دولت‌های عربی نیز از محبوبیت مواضع ضداسرائیلی جمهوری اسلامی ایران در میان جوامع دانشگاهی و مردم خویش آگاه هستند و آن را باعث از بین رفتن مشروعیت خود می‌دانند. به همین دلیل رسانه‌هایی که با سرمایه و سودهی آنها اداره می‌شود، همواره بر این موضوع تأکید می‌کنند که ایران به دنبال اعمال نفوذ و احیای امپراتوری خود در منطقه است و قصد تسخیر جهان عرب را دارد.

تصویر و تصور اعراب از جمهوری اسلامی ایران و ایرانیان در نقاط مختلف جهان عرب، متفاوت است. برای نمونه میزان محبوبیت ایران و ایرانیان در میان مردم مصر و عربستان سعودی با یکدیگر مقایسه‌شدنی نیست. از سوی دیگر، بخشی از عوامل تصویرساز در افکار عمومی جهان عرب عملاً در اختیار و تحت مدیریت سیاست خارجی ایران نیست؛ مانند برخی تلقی‌های مبتنی بر اختلاف عرب و عجم که پیشینه‌ای چند صد ساله دارد. بخش دیگری از تصویر جمهوری اسلامی در جهان عرب را نیز دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا، اسرائیل و دولت‌های عربی عملاً می‌سازند.

دولت‌های خاورمیانه و اعراب حاشیه خلیج فارس نیز بیکار ننشسته‌اند و برنامه‌های مفصلی را در مقابل یا در رقابت با جمهوری اسلامی ایران تعریف و اجرا کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تأسیس شبکه‌های رادیو و تلویزیونی به زبان‌های عربی و انگلیسی و ایجاد شعبه‌هایی از دانشگاه‌های بزرگ جهان به دست این کشورها اشاره کرد. برای نمونه

قطر با تأسیس شبکه الجزیره به مثابه یکی از رسانه‌های قدرتمند جهانی، قابلیت

تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای و جهانی را یافته است. این کشور همچنین با

تأسیس دهکده‌ای شامل دانشکده‌های بسیار مجهز، شعبه‌ای از دانشگاه‌های بزرگ

جهان همچون دانشگاه «جرج تاون» را به کشور خود دعوت کرده که در حال

حاضر دانشجویان زیادی از کشورهای منطقه و از جمله ایران در این دانشگاه‌ها

تحصیل می‌کنند. این اقدامات در بهبود چهره قطر در منطقه و جهان تأثیرگذار بوده

و مخاطب خارجی به‌خوبی قادر است میان این کشور و دیگر کشورهای منطقه

تفاوت قائل شود (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۸۴).



با وجود ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی که زمینه‌های مشترکی برای روابط پایدار ایران با جهان عرب به شمار می‌روند و فرصت مناسبی را برای ارتباط با نخبگان و عامه مردم منطقه خاورمیانه و خلیج فارس فراهم می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با برخی گروه‌های افراط‌گرا در جهان عرب همکاری و همراهی کند. این گروه‌ها به‌ویژه شامل سلفی‌ها، بعثی‌ها و جماعت‌های تکفیری هستند که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها از آنها برای خدشه‌دار کردن تصویر ایران در منطقه استفاده می‌کنند (مهتدی، ۱۳۸۷: ۱۵ - ۱۴).

### آسیای میانه، قفقاز و جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی

در حالی که گروه‌های افراطی در جهان عرب از عمده‌ترین موانع برقراری رابطه با مردم مسلمان در جهان عرب بوده و علیه ارائه تصویر مثبت از جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند، در محور آسیای میانه و قفقاز با مردمانی روبه‌رو هستیم که اگرچه اغلب سنی‌مذهب‌اند، عاشق ایران هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴).

دپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، اگرچه به اهدافی مانند حمایت از استقلال کشورهای برآمده از فروپاشی شوروی و برقراری امنیت منطقه‌ای و توسعه روابط و همکاری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بازارهای منطقه و تسهیل ترانزیت کالا به خلیج فارس نظر دارد، بیش از هر چیز الگوسازی ایرانی - اسلامی را برای این کشورها در نظر دارد.

برای نمونه الگوی ایران می‌تواند در نظر مردم جمهوری آذربایجان جذاب باشد، زیرا آنها نیز مانند اکثر ایرانیان، شیعه امامیه هستند و با اکثر آذری‌های ایران نیز پیوندهای قومی و زبانی دارند. این الگو برای تاجیک‌ها هم به دلیل پیوندهای قومی و زبانی با فرهنگ و جامعه ایران می‌تواند جذابیت داشته باشد. هم ازبک‌ها و هم تاجیک‌ها با اینکه از نظر مذهبی سنی هستند، مانند آذری‌ها و ایرانی‌ها عید ایرانی نوروز را جشن می‌گیرند. از اینها گذشته، مسیحیان ارمنستان هم مانند مسلمانان شیعه و سنی آسیای شمال‌غربی در نگرانی از جمهوری‌های بلاروس و اوکراین و به‌ویژه روسیه که جمهوری‌های اسلاو نژاد دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع

شناخته می‌شوند، با ایرانیان شریک هستند (رمضانی، ۱۳۸۶: ۹۶ - ۹۵).

دو دسته از منابع، فرصت‌های فراوانی را برای ایران در این منطقه فراهم می‌کند: «منابع ایدئولوژیک» که منظور از آن پیوندهای مذهبی، زبانی، قومی و فرهنگی با بیشتر کشورهای منطقه است و «منابع ژئوپلیتیک» که بیشتر اشاره به جایگاه راهبردی ایران به مثابه پل ارتباطی شمال و جنوب در این منطقه و پیونددهنده مناطق اکو و شورای همکاری خلیج فارس دارد. اهمیت و اولویت منابع دسته اول، در کنار هدف ایران برای الگوسازی ایرانی - اسلامی از خود در منطقه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به در پیش گرفتن رویکردی فرهنگی به این منطقه سوق می‌دهد. در این میان در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تأکید بیشتری بر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی درباره محور خاورمیانه و خلیج فارس دیده می‌شود. کارشناسان نیز بر این باورند که اگر فرهنگ ایران از دو بال مذهبی و عرفی شکل گرفته، باید به درایت دریافت که کدام را در چه منطقه‌ای می‌توان به کار گرفت (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴).

با توجه به پیوند زبان فارسی و فرهنگ اسلامی؛ برای کامیابی بیشتر جمهوری اسلامی ایران در زمینه دیپلماسی عمومی،

پیشنهاد شده در کشورهایی که امکان تبلیغات مستقیم و رسمی وجود دارد، ما به اندازه هنر و توانمان کار کنیم، ولی در جاهایی که چنین امکانی وجود ندارد، جهت تبلیغات را تغییر بدهیم و انرژی‌مان را برای ترویج زبان فارسی بگذاریم... اگر ما برای تبلیغ اسلام و تشیع شکمیایی پیشه کنیم و در این زمینه بر تبلیغ زبان فارسی متمرکز شویم، در نهایت می‌توانیم به این مقصد هم برسیم؛ چراکه کسی که با لایه‌های بیرونی زبان فارسی آشنا شد، بعداً تمایل پیدا می‌کند به لایه‌های درونی گذر کند و لایه‌های درونی ادبیات فارسی نیز مشحون از معارف اسلامی و معارف قرآنی است (کمالیان، ۱۳۸۷: ۹).

از جمله مهم‌ترین فواید و نتایج گسترش زبان فارسی برای دیپلماسی عمومی ایران، می‌توان به این موارد اشاره کرد: امکان دسترسی تعداد بیشتری از افراد به منابع خبری ایرانی

و کاهش وابستگی تعداد بیشتری از مخاطبان به منابع خبری غیرفارسی، آشنایی با بسیاری از متون ادبی و تاریخی ایران که به زبان‌های دیگر ترجمه نشده و شاید ترجمه دشوار باشد و نیز امکان استفاده از منابع غنی فرهنگی و تاریخی ایران برای تعداد بیشتری از مخاطبان، همراهی مردمان کشورهای گوناگون با خواست‌های جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش شمار کسانی که با تسلط به زبان فارسی توان فهم فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی را دارند (سنبل، ۱۳۸۶).

در شرایطی که تلاش‌های دشمنان طی هشت سال جنگ تحمیلی، لطمه‌های جدی بر وجهه و تصویر خارجی جمهوری اسلامی ایران وارد کرده بود و ضرورت اعاده اعتماد بین‌المللی به شدت احساس می‌شد، طرح روابط خارجی با دو کشور فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان نیز پس از جنگ سرد در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران برای تقویت زمینه‌های فرهنگی با دیگر کشورهای فارسی‌زبان، ایده تأسیس تلویزیون مشترک کشورهای فارسی‌زبان را در مرداد ۱۳۸۵ در دوشنبه مطرح کرد که تاکنون تحقق نیافته است. با این حال، زبان و فرهنگ مشترک میان ایران، تاجیکستان و افغانستان که زمانی بخش بزرگی از امپراتوری ایران را تشکیل می‌دادند، می‌تواند نقطه اتکایی قوی برای ایران باشد که در صورت هدایت مناسب و جلوگیری از برانگیخته شدن واکنش‌های تند سایر کشورهای همسایه، می‌تواند بازده مفیدی داشته باشد (ثقفی، ۱۳۸۷):

۱۳۳ - ۱۲۳).

علاوه بر گسترش زبان فارسی، جمهوری اسلامی ایران ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی بر بستر ارزش‌های مشترک را نیز در راستای دیپلماسی عمومی خود در این منطقه مورد توجه قرار داده است. از جمله مهم‌ترین آیین‌های ایرانی که برای برنامه‌ریزی در راستای تقویت وجهه ایرانی و قدرت نرم ایران در جهان مناسب به نظر می‌رسد، «نوروز» است که مهم‌ترین جشن ملی ایرانیان و کشورهای همسایه است که ریشه مشترک فرهنگی با ایران دارند.

مراسم نوروز به عنوان عید باستانی و ملی ایرانیان از غرب چین تا شرق بالکان برپا می‌شود. در حالی که رئیس‌جمهور تاجیکستان سال ۲۰۰۶ را سال «تمدن آریایی» نامیده بود، دیپلماسی نوروزی تهران در فروردین ۱۳۸۹ با حضور سران کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و عراق و نیز معاون رئیس‌جمهور ترکیه، وزیر امور خارجه آذربایجان و... در جشن جهانی نوروز و دیدار آنها با بالاترین مقامات جمهوری اسلامی از جمله رهبر انقلاب، توجه صاحب‌نظران و تحلیلگران را به خود جلب کرد که می‌توان آن را گامی مهم و ارزشمند در راستای دیپلماسی عمومی ایران به شمار آورد.

سخنان رهبر انقلاب در دیدار با سران شرکت‌کننده در این جشن، هم نشانه اهمیت نوروز در دیپلماسی جمهوری اسلامی است و هم نشان تأکید ایران بر هم‌گرایی فرهنگی و داشتن منافع مشترک با کشورهای منطقه است.

*نوروز مناسبت خیلی با ارزش و برجسته‌ای است؛ هم از لحاظ معنوی، هم از لحاظ ملی، هم از لحاظ بین‌المللی میان ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند... این وسیله‌ای است برای هرچه نزدیک‌تر کردن دولت‌های این منطقه و ملت‌های این منطقه به یکدیگر.*

*امروزه متأسفانه بعضی از قدرت‌های بزرگ در صدد بحران‌آفرینی میان ملت‌ها هستند؛ میان ملت‌ها بحران‌آفرینی می‌کنند و ملت‌های برادر را در مقابل هم قرار می‌دهند. این جور وانمود می‌کنند که منافع این ملت‌ها در تقابل با یکدیگر است، اما واقعیت چیز دیگری است؛ واقعیت این است که منافع ملت‌های ما نه تنها در تقابل با یکدیگر نیست، بلکه کمک‌کننده و هم‌فزایی‌بخش یکدیگر است. ما می‌توانیم در کنار هم باشیم، به هم کمک کنیم و مجموعه با ارزش‌والای جهانی و فرهنگی و دارای قدرت بین‌المللی تشکیل بدهیم (سخنان رهبر انقلاب در هفتم فروردین*

۱۳۸۹: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)).

جمهوری اسلامی ایران برای پایه‌ریزی روند هم‌گرایی میان کشورهای حوزه تمدنی ایران، پیشنهاد تشکیل دبیرخانه دائمی نوروز در ایران را مطرح کرده است (طلایی‌نیک، ۱۳۸۹).

## دستاوردها

بررسی همهٔ دستاوردهای دبلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزهٔ جهان اسلام، به آسانی ممکن نیست و حتی عرضهٔ فهرستی از آن نیز در وسع این نوشتار نمی‌باشد. در اینجا تنها به دو مورد از این دستاوردها می‌پردازیم که تبیین آنها در شرایط کنونی از لحاظ نظری اهمیت بیشتری دارد.

### گسترش موج بیداری اسلامی

در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی، جهان اسلام هم در ساحت اندیشهٔ سیاسی و نظر و هم در ساحت رفتار و عمل سیاسی، دچار ضعف و کاستی‌های فراوانی بود. از یک‌سو سال‌ها از فروپاشی امپراتوری مسلمان عثمانی می‌گذشت و قدرت جهان اسلام در سده‌ها و سال‌های منتهی به قرن بیستم رو به فرسایش بود و از سوی دیگر، سال‌ها تلاش احیاگران مسلمان برای بازگشت به اصول و احکام اسلامی و بهره‌گیری از آن در دنیای متجدد، با وجود افت‌وخیزهای بسیار در بیشتر موارد، با شکست و ناکامی همراه بود. این دو مسئله دغدغهٔ مسلمانان در سراسر جهان اسلام برای مسلمانان زندگی کردن در دنیای جدید را روزبه‌روز با ناامیدی و سرخوردگی بیشتری می‌آمیخت. در چنین فضایی، گرایش مسلمانان به اندیشه‌های چپ و راست مارکسیستی و لیبرالیستی به جای اسلام، روندی رو به رشد داشت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که متأثر از آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی بود و توانست پس از سال‌ها اقتدار سیاسی، مسلمانان را در برابر ابرقدرت‌های نظام بین‌الملل قرار دهد، به تدریج امیدها و انگیزه‌ها را برای اندیشیدن و زندگی کردن همچون مسلمانی تمام‌عیار در همهٔ عرصه‌ها جان بخشید. مسلمانان از آن پس دریافتند که برای مسلمانان زندگی کردن، باید قدرتمند باشند و این نقطهٔ پیوند بیداری اسلامی و اسلام سیاسی در دوران معاصر شد؛ به‌ویژه که جمهوری اسلامی، ادغام دین در سیاست و کارآمدی آن برای حکومت را به

تصویر کشید و نشان داد که دین می‌تواند مدیریت سیاسی جامعه را در اختیار بگیرد.

بر این اساس دین از عرصه امور فردی و شخصی به عرصه اجتماع گام نهاد و بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های آن اجرایی شد. دیدگاه بسیاری از مسلمانان که تا آن هنگام فکر می‌کردند برای رهایی از یک ابرقدرت، باید به ابرقدرت دیگری روی آورند و گمان می‌کردند امکان برقراری حکومت اسلامی در این عصر و زمانه وجود ندارد، متحول و اسلام به مثابه راهنمای عمل جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان اسلام انتخاب شد.

منظور از بیداری اسلامی، بیش و پیش از هر چیز، آگاهی و شناخت از وضعیت کنونی و وضعیت بایسته بر اساس رهنمودهای اسلام و خواست و گرایش به دگرگونی در وضعیت موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب از دیدگاهی اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران هم اعتماد به نفس از دست رفته مسلمانان را احیا کرد و هم اندیشه اسلامی را به مثابه تنها برنامه و راه برون‌رفت از چالش‌های پیش روی جهان اسلام مطرح نمود.

فراتر از اینها، انقلاب ایران، روند عمومی فکری و عملی جهان به سمت بی‌دینی را نیز متوقف و معکوس کرد. «آنتونی گیدنز»، جامعه‌شناس مشهور معاصر، در این باره می‌نویسد:

در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی - یعنی مارکس، دورکیم و وبر - با کم‌وبیش اختلاف‌هایی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه ۸۰ میلادی و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۷۵).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران توانسته هویت اسلامی را در جهان اسلام و هویت معنوی و دینی را در سراسر جهان احیا کند. البته روند بیداری اسلامی - به معنای حرکتی در جهت آسیب‌شناسی علل عقب‌ماندگی مسلمانان، نفی وابستگی به غرب و استبداد داخلی و بازگشت به ارزش‌ها و احکام اسلامی - پیش از برقراری جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی

آن در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و حمایت از مسلمانان، وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد.

این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های گوناگون از قبیل: حرکت‌های مردمی در عراق، جهاد مسلمانان در افغانستان اشغال‌شده از سوی شوروی، ترور «انور سادات» در مصر، مقاومت شدید در لبنان، بروز حرکت‌های اسلامی در کویت و بحرین، قیام مردم در الجزایر، مصر، تونس، مراکش و قیام اسلامی مردم فلسطین تجلی یافته و از زمستان ۱۳۸۹ موج نو بیداری اسلامی با سرنگونی چهار دیکتاتور عرب طی یک سال وارد مرحله نوینی از حیات و تطور خویش شده و همچنان ادامه دارد.

### افزایش عمق راهبردی ایران

تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود. برای تبیین بهتر این امر، می‌توان از مفهوم «عمق راهبردی» استفاده کرد.

عمق راهبردی، مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعه‌های امنیتی و استراتژیک مربوط است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گستره نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپلیتیک، و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می‌شود رقیبان و دشمنان یک کشور، عملاً از آسیب‌رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف‌نظر کنند (محمدی، ۱۳۸۷).

جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن برخورداری از مزیت‌های فراوان سرزمینی و جغرافیایی که در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می‌کنند، اشاعه ارزش‌ها و گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی

## ۴۰ ❖ مطالعات فرهنگ - ارتباطات

خود با جدیت پیگیری می‌کند. اما داشتن چنین رویکرد ارزشی و هنجاری نه تنها هیچ منافاتی با تأمین امنیت و منافع ملی کشور ندارد، بلکه گسترش نفوذ ایدئولوژیک، تضمین‌کننده امنیت و منافع ملی ایران در بلندمدت خواهد بود.

از این رو، مجموعه هزینه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی خود در حوزه جهان اسلام می‌پردازد، ضمن انطباق با آرمان‌های آن، تقویت‌کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. نمونه این امر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، حمایت از مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی، از طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تأمین‌کننده امنیت و منافع ملی آن نیز هست.

درباره نفوذ ایدئولوژیک یک کشور در مناطق ژئوپلیتیک، یک شاخص مهم، ارزیابی میزان محبوبیت - به مثابه شاخصی عمده در اندازه‌گیری نفوذ قدرت نرم و موفقیت دیپلماسی عمومی - در کشورهای دیگر است. اگرچه اندازه‌گیری میزان دقیق محبوبیت یک کشور به آسانی امکان‌پذیر نیست، برخی شاخص‌های عینی مانند استقبال مردمی از مقامات بلندپایه ایرانی در کشورهای اسلامی، می‌تواند تا اندازه‌ای روشنگر جذابیت ارزش‌ها و هنجارها و نیز محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در میان مردم مسلمان باشد.

خیمه‌ای که اینجا سرپاست، ریسمان‌ها و میخ‌های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت‌های گوناگون عمق استراتژیک داریم... رؤسای جمهور ایران پا می‌شوند به کشورهای دیگر می‌روند. استقبال مردمی از این رؤسای جمهور برای هیچ رئیس‌جمهوری از هیچ کشوری در هیچ نقطه‌ای غیر از کشور خودش متصور نیست؛ این یک واقعیت است... این، هنر این رئیس‌جمهور نیست؛ هنر این حرکت عظیم است؛ هنر این موج‌آفرینی است؛ هنر هویت شماست؛ هویت نظام جمهوری اسلامی (سخنان رهبر انقلاب در ۲۴ مهر ۱۳۸۴: www.khamenei.ir).



با این همه، افزایش و گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را باید نتیجه و دستاورد دیپلماسی عمومی ایران دانست، نه هدف و غایت آن. چنان‌که رهبر انقلاب اسلامی اشاره می‌کند، جمهوری اسلامی این دستاورد را مدیون احیای هویت اسلامی و وحدت مسلمانان است که البته حساسیت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را نیز برمی‌انگیزد.

ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند. چرا تبلیغات عجیب و غریب آمریکایی و انگلیسی سعی می‌کنند بین ملت‌های مسلمان با ملت ایران جدایی بیندازند؟ چرا؟ با مسئله قومیت، با مسئله سنی - شیعه؟ چون می‌دانند آنها عمق راهبردی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند. تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست. نمی‌خواهند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از این حمایت و طرفداری که از او در کشورهای مختلف می‌شود - که البته بی‌نظیر هم است - برخوردار باشد (سخنان رهبر انقلاب در ۲۴ مهر ۱۳۸۴: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)).

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصل دعوت در آموزه‌های اسلامی و در راستای اهداف فراملی خود، رویکرد دیپلماسی عمومی را در سیاست خارجی خویش پذیرفته و به کار بسته است. ایران در سال‌های اخیر با تکیه بر منابع قدرت نرم خویش توانسته راهبردهای آموزشی و رسانه‌ای را در راستای دیپلماسی عمومی در جهان اسلام پیگیری کند. از سوی دیگر، دیپلماسی عمومی ایران در جهان اسلام به دلایل خاص در دو جهت عمده جغرافیایی بسط و توسعه یافته و مناطق خاورمیانه و آسیای مرکزی اولویت‌های سیاست خارجی ایران در این زمینه به شمار می‌روند. اگرچه دستاوردهایی مانند گسترش بیداری و افزایش عمق راهبردی را می‌توان به مثابه رهاورد دیپلماسی عمومی ایران در جهان اسلام برشمرد، چالش‌هایی مانند شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی نیز پیش روی دیپلماسی عمومی ایران است که بخش مهمی از آن متأثر از حضور سخت نظامی و تمرکز دیپلماسی عمومی

❖ سال دوازدهم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۰

آمریکا بر جهان اسلام به‌ویژه پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ است. این چالش‌ها را می‌توان برآیند واکنش رقیبان منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی به اهداف و برنامه‌های سیاست خارجی ایران برای ایفای نقش «ام‌القرای جهان اسلام» و رسیدن به جایگاه قدرت اول منطقه و نیز دستاوردهای آن در زمینه گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی آن در جهان اسلام دانست.

Archive of SID

## منابع و مأخذ

- اسلامی، شیدا، (۱۳۸۹). «سبقت العالم از رسانه‌های عربی»، روزنامه کیهان، شماره ۱۹۷۳۷.
- ایزدی، بیژن، (۱۳۸۶). *درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ویرایش دوم، چاپ ششم، قم: بوستان کتاب.
- پوراحمدی، حسین، (۱۳۸۹). *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- توال، فرانسوا، (۱۳۸۴). *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه کتایون باصر، چاپ دوم، تهران: ویستار.
- تقفی، ناصر، (۱۳۸۷). *ایران و سیاست نگاه به شرق*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- درخشه، جلال، (۱۳۸۷). «گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران»، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، مقاله انقلاب اسلامی و تغییر و تداوم در سیاست خارجی ایران.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۸۷). *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

- دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- رضائی، روح‌الله، (۱۳۸۶). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ پنجم، تهران: نی.
- سجادی‌پور، سید محمدکاظم، (۱۳۸۶). *چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- سلطانی فر، محمد، (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک*، تهران: سیمای شرق.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۵). *دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن*، تهران: هیرمند.
- صفوی، حمزه، (۱۳۸۷). *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- فلاح‌نژاد، علی، (۱۳۸۴). *سیاست صدور انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیرحی، داوود، (۱۳۸۴). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: سمت.
- کیانی، داوود، (۱۳۸۶). *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کمالیان، (۱۳۸۷). *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و نقش زبان فارسی* (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گیلپو، ایتان، (۱۳۸۸). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لنون، الکساندر تی. جی، (۱۳۸۸). *کاربرد قدرت نرم*، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، مقدمه اصغر افتخاری.
- محمدی، غلامرضا، (۱۳۸۷). «عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با نگاه به چشم‌انداز بیست ساله»، روزنامه کیهان، ۱۷ شهریور.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۶۶). *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر.

## دییلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران ... ❖ ۴۵

- موسوی خمینی، روح‌الله، (بی‌تا) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مهتدی، ---، (۱۳۸۷). *دییلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی* (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- نای، جوزف، (۱۳۸۷). *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در روابط بین‌الملل*، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۴). «ضرورت یک دیپلماسی فرهنگی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۱.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۹). *دییلماسی عمومی و سیاست خارجی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- هادیان، ناصر و افسانه احدی، (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی *روابط خارجی*، شماره سوم.
- سنبلی، نبی، (بیستم بهمن ۱۳۸۶). «دییلماسی فرهنگی و نقش آن در پیشبرد منافع ملی»، [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com) (دهم فروردین ۱۳۹۱).
- طلائی‌نیک، محمدرضا، (نهم فروردین ۱۳۸۹)، «دییلماسی نوروز در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران حائز اهمیت است». [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com) (دهم فروردین ۱۳۹۱)
- ملکی، عباس، (اسفند ۱۳۸۵). «مفاهیم جدید در دیپلماسی فرهنگی»، [www.caspianstudies.com](http://www.caspianstudies.com) (دوازدهم فروردین ۱۳۹۱).
- مولانا، حمید، (بیست‌وچهارم آبان ۱۳۸۸). «مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور بهترین دیپلمات‌های ما هستند». [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com) (دهم فروردین ۱۳۹۱).
- (اردیبهشت ۱۳۸۸) [www.Publicdiplomacy.org](http://www.Publicdiplomacy.org) (2008). About U.S. Public Diplomacy.
- Nye, Joseph. S, (2010). Lecture in British Council, [www.britishcouncil.org](http://www.britishcouncil.org) January (دی ۱۳۸۹)
- Snow, Nancy (2009). *The Routledge Handbook of Public Diplomacy*, Routledge.
- [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) (دی ۱۳۸۹)
- [www.medianews.ir](http://www.medianews.ir) (آذر ۱۳۸۹)